



عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. ... عزت یعنی تحمیل هیچ‌کس را قبول نکردن. ... حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. ... مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب، و این مصلحت همه‌جانبه است. اگر بخواهیم اصول سیاست خارجی را که بر پایه‌ی عزت و حکمت و مصلحت استوار است، بر اوضاع و شرایط پیچیده‌ی امروز دنیا و وضع خاص خودمان تطبیق کنیم، بلاشک فراست، ابتکار عمل، پُرکاری، دقت و پایبندی شدید به اصول و آرمانها، جزو وظایف عمومی دستگاه دیپلماسی ماست.

سخن سردبیر



تغییر قانون احزاب نیاز مبرم آینده سیاسی نظام اسلامی

حزب یکی از ستونهای دموکراسی در هر جامعه است و از طریق حزب مردم می‌توانند به مسئولین مشکلات خود را بازگو کنند و نخبگان را برای اهداف از پیش تعیین شده‌ای به کار گمارند و در واقع حزب اطاق فکر نخبگان سیاسی هر نظامی با هر ایدئولوژی و هر مرامی می‌باشد. در کشورمان نیز بعد از انقلاب وجود احزاب برای رتق و فتق امور مملکتی با مرام انقلابی و اسلامی احساس می‌شد فلذا نمایندگان محترم مجلس قانون احزاب مصوب ۱۳۶۰ را به تصویب رساندند.

بواسطه این قانون احزاب متعددی شکل گرفتند ولی نکته مهم این است که آیا این قانون توانست مشکلات احزاب را برطرف نماید؟ و آیا احزاب توانستند بواسطه این قانون حلقه واسط میان مردم و حاکمیت باشند؟ و هزاران سوال دیگر قابل طرح بود که اصلاح این قانون را واجب می‌کرد. سپس بعد از گذشت سی و اندی سال از اجرای این قانون سیاسیون و مسئولین به ناکارآمدی این قانون توجه نمودند فاذا تصمیم به اصلاح و تغییر این قانون گرفتند و بعد از کش و قوس های فراوان سرانجام قانون جدید احزاب در سال ۱۳۹۵ تصویب و برای اجرا ابلاغ شد.

اما نکات فراوانی پیرامون قانون احزاب گذشته و جدید وجود دارد که در ذیل بدان اشاره می‌کنم:

۱- قانون احزاب مصوب ۱۳۶۰ در شرایطی نوشته شده که کشور در حال جنگ با متخاصمین است و لذا قانونگذاران با احتیاط فراوان و با در نظر گرفتن جنبه های امنیتی این قانون را پیاده سازی نمودند. در قانون احزاب مصوب ۱۳۶۰ شرایط تاسیس کمی آسوده است و در واقع هیات موسس با نوشتن مرانامه و اساسنامه می‌توانند درخواست تاسیس حزب کنند ولی در مسیر تاسیس حزب اخذ استعلامات که معمولاً زمانبر است قطعاً مسیر تاسیس را طولانی می‌کند.

در این قانون هر گونه تجمع و راهپیمایی را منوط به اخذ مجوز از کمیسیون ماده ده نموده است و این در صورتیست که در کشورهای پیشرفته احزاب قبل از هر گونه تجمعی حاکمیت را با خبر می‌کنند و فرایند اخذ مجوز وجود ندارد. نیز موضوع جرم سیاسی در این قانون به صورت مشخص دیده نشده بود و معلوم نبود که کدام فعل یا ترک فعلی جرم سیاسی است و مجازات مرتکبین آن چیست؟ یکی از مزایای قانون احزاب مصوب ۱۳۶۰ این بود که احزابی که دارای مرانامه و نیات خیر خواهانه بودند ولی از نظر بضاعت مالی وضع خوبی نداشته اند می‌توانستند با اندک سرمایه ای حزب راه اندازی نموده و کم کم اهداف خویش را که به رشد و پیشرفت مملکت کمک کند دنبال کنند. اما در قانون احزاب مصوب ۱۳۹۵ معایب فراوانی وجود دارد که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- در این قانون موسسین باید همان پروسه طولانی مدت اخذ استعلامات را نیز طی کنند که این موضوع فرایند تاسیس را زمانبر و مشکل می‌کند. و نیز موسسین باید برای تاسیس ۱۵ نفر را با خود همراه کنند که این موضوع خود کار دشواری است و به نوعی تحمیل فشار بر ایده پردازان و بنیانگذاران اصلی حزب است و نیز کار زمانبری می‌باشد و معایب دیگری دارد که خارج از حوصله است. نیز موسسین باید سرمایه هنگفتی برای تاسیس و اداره حزب داشته باشند تا بتوانند با اجبار در اکثر نقاط کشور دفتر داشته باشند و نیز افراد زیادی را برای کنگره با خود همراه کنند که این موضوع نیز کار دشواری بوده و به نوعی احزاب را به سمت صاحبان قدرت سوق می‌دهد و احزاب را مجید گوی دولت و یا سرمایه داران می‌کند و یا به عبارتی خیلی رک می‌گوید سرمایه داشته باش و حزب تاسیس کن و در این بین افراد انقلابی و وفادار به نظام از گردونه سیاست حذف شده و کسانی که با صاحبان زور و قدرت هستند بر سیاست و مقدرات مملکت حاکم می‌شوند که این موضوع نه جز آرمانهای انقلاب است و نه با روح اسلام تطابق دارد و نه تاثیری در رشد و پیشرفت مملکت دارد و در واقع با این قانون آن دسته از اقشار مستعد در امور سیاست که به انقلاب و آرمانهایش پایدار هستند به انزوا رفته و از تحرک سیاسی باز خواهند ماند و همان گفته تاریخی امام که می‌فرمود نگذارید مملکت به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد به وقوع می‌پیوندد. لذا برای رفع تبعیض سیاسی و جلوگیری از یک آشفته‌گی سیاسی و نیز جلوگیری از وابسته شدن احزاب به قدرت های نامشروع و جلوگیری از سنگین شدن تراز قدرت به نفع جریانهای ناپاک اصلاح فوری و انقلابی قانون احزاب جزو اجابت می‌باشد.



مهندس حسین کنعانی مقدم در این خصوص مصاحبه ای داشته که جزئیات مهمی در این خصوص ارائه نموده است: حسین کنعانی مقدم با استقبال از جزئیات طرح شده از لایحه جامع انتخابات: نمایندگان احزاب زینت المجلس نشود

مجلس هر یک با دیدگاه های سیاسی خودشان لایحه و طرح تدوین کنند نتیجه تکرار قوانینی خواهد شد که یا بعد از مدتی برای اصلاح باز پس فرستاده خواهند شد و یا اصلاً قابلیت اجرا پیدا نمی‌کنند. اعتقاد من این است که باید با نگاه جامع و کامل به اندرکنش این قانون بر قوانین دیگر، لایحه در دولت تنظیم شود و برای چکش کاری آخر به مجلس برود تا نمایندگان نیز نظر خودشان را بدهند.

در جزئیات لایحه دولت بخش مهمی وجود دارد و آن تغییر ترکیب هیات اجرایی مرکزی انتخابات است. اعلام شده که افراد حقوقی جدیدی به ترکیب این هیات افزوده می‌شوند از جمله یک نفر از دبیران کل خانه احزاب به انتخاب خانه احزاب. آیا این تغییر را کافی و مفید می‌دانید؟ پروسه انتخاب در خانه احزاب چگونه خواهد بود؟

حضور شخصیت های مختلف و موثر در بحث انتخابات می‌تواند به این جمع کمک کند و اگر قرار است یک نفر به نمایندگی از احزاب در این هیات عضویت داشته باشد همان بهتر که رئیس دوره ای خانه احزاب این مسئولیت را برعهده بگیرد. چون بر اساس آیین نامه ای که در خانه احزاب داریم هر یک سال یک نفر از یک جریان سیاسی که یا اصولگرا است یا اصلاح طلب به ریاست خانه احزاب انتخاب می‌شود و بهتر است که آن فرد که با رای همه احزاب انتخاب می‌شود این مسئولیت را برعهده بگیرد. اما موضوع مهم تر این است که بدانیم آیا حضور نماینده خانه احزاب در این هیات نظارت مانند حضور نماینده احزاب در کمیسیون ماده احزاب بدون حق رای است یا خیر. زیرا اگر این طور باشد که اصلاً اثری ندارد. اگر هم صاحب رای است که به نظر می‌رسد با توجه به ترکیب

چون هر تغییر الزاماً به معنای حرکت به سمت تعالی و بهتر شدن نیست. پس اینجا به نظر می‌رسد که باید ابتدا تکلیف این موضوع مشخص شود که این قانون در چه نظامی مشخص می‌شود.

نکته بعدی که باید مد نظر قرار گیرد اندرکنش قوانین (تاثیر قانونی بر قانون دیگر) است. بعضی از قوانین مرتبط با یکدیگر هستند. بنابراین باید ببینیم که اندرکنش قانون انتخابات با قانون احزاب، با جرم سیاسی و با قوانین اقتصادی و اجتماعی که وضع شده یا می‌شود چیست. قانون بامهو قانون ممکن است از حیث آزادی های سیاسی و اجتماعی و حق انتخاب کردن، اثر منفی روی مردم سالاری یا قوانین موجود داشته باشد و باید این تاثیرات متقابل لحاظ شود. اگر این نکات مورد توجه قرار نگرفته باشد تغییر قوانین ما را چندان به هدف مان نخواهد رساند.

همچنان که مطلعید انتخابات در آن واحد موضوع طرح استانی شدن انتخابات در مجلس و نیز لایحه انتخاباتی دولت قرار گرفته است. با وجود آنکه مسئولین دولتی همراهی خود را با مجلس اعلام کرده اند نفس این دوگانگی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ این طرح و لایحه چگونه می‌تواند با یکدیگر انطباق پیدا کنند؟ خب این حق نمایندگان مجلس است که طرح هایی ارائه کنند و دولت هم برای ارائه لایحه محق است. اما بهتر بود که این هر دو نهاد می‌نشستند و در کمیسیون مشترکی این موضوع را بررسی می‌کردند. زیرا موازی کاری در تدوین قوانین چندان قابل دفاع نیست. با این حال اگر دولت لایحه ای ارائه بدهد که جامع الاطراف باشد به نظر می‌رسد می‌تواند از دوباره کاری جلوگیری کند. اما اگر بنا باشد دولت و

گروه سیاسی: هنوز محتوای لایحه جامع انتخابات در هیات دولت در حال بررسی است با این حال انتشار جزئیاتی از این لایحه از سوی سخنگوی وزارت کشور بحث ها درباره لایحه ای که بزودی تقدیم مجلس می‌شود را آغاز کرده است. بر اساس جزئیات اعلام شده قرار است یک نفر از دبیران کل احزاب به انتخاب خانه احزاب در کنار نمایندگانی از کانون وکلا، مدیران مسئول مطبوعات و خبرگزاری ها و تشکل های مردمی به ترکیب پیشین افزوده شود. به همین دلیل با حسین کنعانی مقدم از اعضای شورای مرکزی خانه احزاب ایران گفت و گو کرده ایم که در پی می‌آید.

سخنگوی وزارت کشور به تازگی جزئیاتی از لایحه جامع انتخاباتی را که دولت در دست تدوین و بررسی دارد مطرح کرده است. ارزیابی تان از رویکرد اصلاحی این لایحه نسبت به قوانینی که تا پیش از این وجود داشته چیست؟ هر قانونی قاعدتاً باید بر مبنای اسناد بالادستی تهیه شود که از مهم ترین این قوانین قانون اساسی است. با لحاظ این اصل اگر بخواهیم در انتخابات و مردم سالاری تحولی ایجاد کنیم اصلاح قوانین تنها یکی از کارهای لازم است، اما بی شک کافی نیست. در این موضوع سوال اصلی این است که آیا فقط به دنبال اصلاح قوانین و برطرف کردن بعضی از معایب هستیم یا آنکه می‌خواهیم تغییری در ساختار هم انجام بدهیم. همچنین باید به این سوال پاسخ بدهیم که اصلاح، تغییر یا خلق قوانین در چارچوب چه نظامی است؛ نظام ریاستی یا نظام پارلمانی، نظام حزبی یا نظام ولایتی. تا پاسخ سوال هایی از این دست به دقت مشخص نشود هر گونه تغییری در قانون ممکن است شرایط را تغییر بدهد، اما معلوم نیست که شرایط را بهتر کند.


اخبار

حجت الاسلام رئیسی:

پیوستن به برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی موجب خود تحریمی و انزوا می‌شود/ رمز اثرگذاری کلام روحانیون در میان مردم، زندگی ساده و به دور اشرافیت آنان است/ تداوم انقلاب در گرو مبارزه با فساد خواهد بود

تولیت آستان قدس رضوی گفت: پیوستن به برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی راه‌های خروج و دور زدن تحریم‌ها را از ما می‌گیرد و ملت ایران را به سمت خود تحریمی و انزوا پیش می‌برد.



به گزارش حوزه احزاب و تشکل‌های گروه سیاسی باشگاه خبرنگاران جوان، حجت الاسلام و المسلمین سید ابراهیم رئیسی تولیت آستان قدس رضوی روز یکشنبه در مراسم تجدید میثاق طلاب حوزه‌های علمیه تهران با آرمان‌های امام خمینی (ره) عنوان کرد: جمهوری اسلامی ایران اگر عضو هر کنوانسیون بین‌المللی شود باید منافع و مصالح ملی در آن لحاظ شود.

وی افزود: امروز دشمنان با مشکلات اقتصادی و تحریم، تلفیقی از جنگ نرم و سخت را برای ملت ایران تدارک دیده اند که باید در برخورد با این مسائل هوشیارانه عمل کرد.

اعتراضات در سودان در چارچوب حالت فوق‌العاده قرار گرفت

عمر البشیر، رئیس‌جمهور سودان دستورهای متعددی در مقابله با اعتراضات در این کشور صادر کرد که بر اساس آنها، تجمعات و اعتراضات در چارچوب حالت فوق‌العاده قرار می‌گیرد.

به گزارش گروه بین‌الملل باشگاه خبرنگاران جوان به نقل از شبکه تلویزیونی اسکای نیوز عربی، عمر البشیر، رئیس‌جمهور سودان دستورهای متعددی برای مقابله با اعتراضات صادر کرده است که بر اساس برخی از آنها، تجمعات و اعتراضات در چارچوب حالت فوق‌العاده قرار می‌گیرد، حالت فوق‌العاده‌ای که هفته گذشته در این کشور اعلام شد.



همچنین بر اساس دستورهای جدید، نیروهای دولتی باید بر دارایی‌های افراد و موسسات خصوصی نظارت داشته باشند و اموال، اماکن یا کالاهایی را که در مورد قانونی بودن آنها تردید وجود دارد، تا زمان بررسی یا محاکمه مصادره کنند.

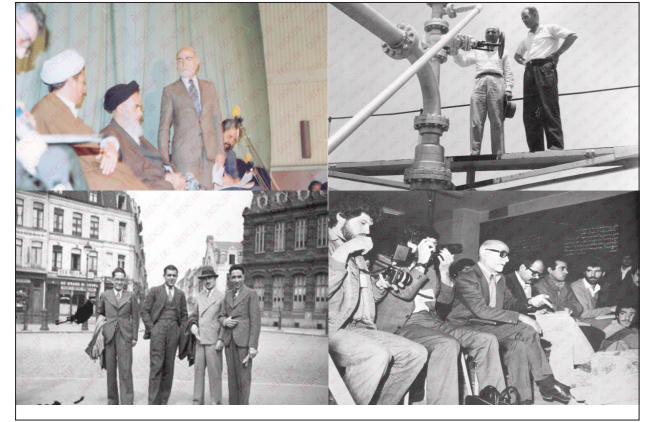
این نیروها اجازه دارند وارد هر ساختمانی شوند و ساختمان یا افراد داخل آن را بازرسی کنند. عمر البشیر همچنین به نیروهای دولتی اجازه داده است افرادی را که مظنون به مشارکت در جرائم مربوط به حوادث حالت فوق‌العاده هستند، بازداشت کنند.

تجمعات مردم سودان در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت از اواسط ماه دسامبر سال ۲۰۱۸ در شهر عطبره استان نهرالنیل آغاز شد و به مناطق مختلف این کشور از جمله پایتخت گسترش یافت.

مهدی بازرگان: نخستین وزیر دولت انقلابی بعد از انقلاب اسلامی

روز ۳۰ دی ۱۳۷۳ مهندس مهدی بازرگان، رییس دولت موقت انقلاب بعد از یک دوره بیماری، در جریان سفر درمانی در زوریخ سوئیس درگذشت.

مهدی بازرگان در سال ۱۲۸۶ در تهران متولد شد. پدرش حاج عباسقلی بازرگان (تبریزی) از تجار دیندار، روشنفکر و سرشناس زمان خود بود. بازرگان تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سلطانیه



مقاله حاضر برای تبیین دموکراسی و مدل‌های آن براساس رویکردهای مختلف، نگارش یافته است. در این راستا مدل‌های متعدد و مختلفی براساس دیدگاه‌های هلد، هانتینگتون، راسل، ارمه، جی، گراهام، کت و هابرماس ارائه شده و خصوصیات آنها بیان گردیده است.

الگوهای دموکراسی

این دموکراسی مشارکت مستقیم شهروندان در امور قانون گذاری است. این مدل در یونان باستان و با خصوصیات شهروندان محدود آن رهگیری شده است. ۲

حمایتی: علت نام‌گذاری این دموکراسی این است که مردم یا شهروندان فعال برای اطمینان



حاصل کردن از این که حاکمان سیاست‌هایی در جهت منافع آنها را پیگیری می‌کنند خواستار به

ادامه در شماره آینده

اعتباری ویژه، دموکراسی را به انواع و اقسامی تقسیم کرده است. برخی با توجه به جلوه‌های ظهور و شاخصه‌های تجلی یافته انواع حکومت‌های دموکراتیک، و بعضی دیگر با عنایت به تأثیر و نفوذ انواع نظریه‌ها در حکومت‌های دموکراسی، مدل سازی کرده‌اند. در این مقاله به برخی از الگوهای ارائه شده که از درجه‌ای از اهمیت و ابتکار برخوردارند اشاره می‌کنیم. ۱. دیوید هلد (یازده مدل دموکراسی)

وی در کتاب مدل‌های دموکراسی در سال ۱۹۸۷ تحقیقی منضبط در خصوص انواع صورت‌های بروز یافته دموکراسی ارائه کرده است. مدل‌ها و تقسیم بندی‌های هلد از دموکراسی به قرار زیر است: دموکراسی کلاسیک: از خصوصیات

بقیه از صفحه ۱ حسین کنعانی مقدم با استقبال از جزئیات ...

بله در تمام مذاکراتی که در کمیسیون های مجلس یا مرکز پژوهش ها یا خود دولت بوده از نمایندگان خانه احزاب هم دعوت می شد و دیدگاه ها و نظرات احزاب را به اطلاع می رساندند حالا چقدر این نظرات در لایحه لحاظ شود باید در آینده دید. در بحث انتخابات استانی من خودم موافق هستم اما معتقدم که زیرساخت های آن آماده نیست و با وضع چنین قانونی ممکن است که ما این مشکل را پیدا کنیم که کسانی که قدرت مالی یا به عبارتی زر و زور و تزویرشان بیشتر است امکان انتخاب شدن شان بیشتر خواهد شد و اثرگذاری رای مردم در یک شهرستان کوچک کمتر می شود.

استانی شدن هزینه های متفرقه انتخابات را کم می کند اما کسانی که قدرت مالی یا نفوذ سیاسی بیشتر دارند راحت تر می توانند در سطح استانی رای بیاورند مجلس ما از عوام به مجلس خواص تبدیل می شود و این طبیعتا چندان منطبق بر مردم سالاری نیست.

حضورشان در این تجربه ها هم مفید باشد و نه فقط نمادین. نکته بعد این است که سه مرحله نظارت بر عملکرد کاندیداها باید وجود داشته باشد قبل از انتخابات هر نامزدی باید حسابی را معرفی کند و همه هزینه هایش را از آن حساب انجام دهد تا بیلان مشخصی وجود داشته باشد، در مرحله انتخابات نظارتی هم بر مسائل مالی و هم بر اقدامات سیاسی و رفتاری نامزد وجود داشته باشد. در مرحله انتخاب شدن تا وارد مسئولیت شدن که قرار است اعتبارنامه فرد تصویب شود حتما باید عملکرد مالی شفاف باشد که از کدام منابع بوده و صرف چه اقداماتی شده اگر این هر سه مقطع مورد نظارت قرار گیرد می توانیم بگوییم که انتخابات سالمی داشتیم در غیر این صورت انتخاب شدن فرد زیر سوال می رود.

در این پروسه های تقنینی چه در مورد طرح استانی شدن انتخابات و چه در مورد لایحه جامع انتخاباتی که در دولت مطرح است آیا برنامه ای برای مشاوره با نمایندگان احزاب و استفاده از دیدگاه ها و نظرات شان وجود داشته است؟

شورای نظارت این رای چندان اثری نخواهد داشت و فقط زینت المجالس این جلسات خواهد بود. **مطلوب شما چیست؟**

چیزی که الان در انتخابات با مشکل مواجه هستیم این است که وضعیت رسیدگی به شکایات چه انتخاب کننده و چه انتخاب شونده در ساختار وزارت کشور تعریف نشده است. حال آنکه این وضعیت باید تعریف شود و در آنجا باید حتما احزاب در حد رئیس خانه احزاب حضور تاثیرگذاری داشته باشد. به نظرم بحث مهمی که در انتخابات وجود دارد رسیدگی به شکایات است. هم مردم ممکن است شکایت داشته باشند، هم نامزدها و هم دستگاه های مختلف موثر در انتخابات این سه وجه باید در یک جا جمع شود یعنی ما باید جایی را داشته باشیم که به این شکایات انتخاباتی رسیدگی کند و این مجموعه نباید تحت نظر و کنترل هر یک از سه قوه باشد. در عین اینکه باید هر سه قوه حضور داشته باشند. اگر این اتفاق بیفتد مردم خیال شان راحت می شود که مرجع رسیدگی عادلانه وجود دارد. اگر بنا باشد که فقط یک مرجع و نهاد خاص مسئولیت این رسیدگی

را داشته باشد ممکن است نتواند بیطرفی خودش را رعایت کند. الان کدام مرجع می تواند با بی طرفی به شکایات رسیدگی کند و بر اساس سند بالادستی قانون اساسی کدام مرجع وجود دارد و چطور می شود که وقتی حکمی داد لازم الاجرا برای هر سه قوه باشد؟

در شرایط حال حاضر به نظر می رسد که شورای نگهبان یک چنین مرجعیتی را برای خود قائل است... خود شورای نگهبان به هر حال خودش تنظیم کننده بخشی از مسائل اجرایی و نظارتی انتخابات است شاید نشود فقط به شورای نگهبان اکتفا کرد نیاز به این است که هر سه قوه درگیر بحث نظارت بر انتخابات و اجرای قانون باشند. اینکه از احزاب خواسته شده که در هیات اجرایی حضور داشته باشند و نیز موارد دیگری در لایحه هست از جمله نظارت بیشتر بر منابع مالی تبلیغات نامزدها و غیره این مجموعه تا چه حد در حزبی تر شدن انتخابات موثر خواهد بود؟ اولاً ما باید احزاب قوی داشته باشیم و بعد توقع داشته باشیم که احزاب اثرگذار باشند در تصمیم سازی ها و اراده سیاسی کشور و



دیدار رهبرانقلاب با بشار اسد رئیس جمهور سوریه



خبرگزاری رویترز شب گذشته درباره این سفر که نخستین سفر بشار اسد به ایران از زمان وقوع بحران در سوریه بود، نوشت: رئیس‌جمهور سوریه به ایران که نزدیک‌ترین متحد خود است سفر کرد و با رهبر ایران و حسن روحانی، رئیس‌جمهور این کشور دیدار کرد. این خبرگزاری نوشت رهبر ایران و بشار اسد توافق کردند که همکاری‌ها در تمامی سطوح در راستای منافع دو ملت دوست ادامه یابد.

خبرگزاری اسپوتنیک روسیه نیز نوشت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه برای نخستین بار پس از سال ۲۰۱۱ به ایران سفر و با مقامات این کشور دیدار کرد.

شبکه خبری المیادین نوشت برای نخستین بار پس از آغاز بحران سوریه، اسد به تهران سفر کرد و با رهبر ایران و حسن روحانی، رئیس‌جمهور این کشور دیدار کرد. این خبرگزاری همچنین اعلام کرد دیدار رئیس‌جمهور سوریه با رهبر معظم انقلاب و رئیس‌جمهور ایران، مراسم جشن پیروزی دو متحد و دو شریک در جنگ علیه سوریه بود. شبکه سعودی العربیه نیز در خبری فوری دیدار بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه با رهبر ایران را پوشش داد.

پایگاه خبری آی ۲۴ رژیم صهیونیستی هم با اعلام خبر دیدار رهبر انقلاب و بشار اسد نوشت رهبر جمهوری اسلامی ایران تلاش‌ها برای ایجاد مناطق حائل در سوریه را بخشی از توطئه آمریکا خواند که باید با آن مقابله شود.

روزنامه صهیونیستی تایمز او اسرائیل نیز اعلام کرد: بشار اسد در یک سفر خارجی نادر و از پیش اعلام نشده وارد تهران شد و با رهبر جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد.

هآرتس، دیگر روزنامه صهیونیستی، هم نوشت: رئیس‌جمهور سوریه و رهبر ایران درباره ادامه همکاری‌های دو کشور در تمام سطوح توافق کردند.

شبکه المنار لبنان نیز اعلام کرد: رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران با تبریک پیروزی دولت، ملت و ارتش سوریه علیه تروریسم بر اهمیت روابط استراتژیک ایران و سوریه تاکید کردند. این شبکه بیش از ۵ دقیقه از بخش ابتدایی این بخش از اخبار خود را به دیدار بشار اسد از تهران اختصاص داد. المنار پیش از پخش مشروع، این دیدار را به صورت فوری و زیرنویس اعلام کرد و در ادامه پخش خبر نیز در این ارتباط با خبرنگار خود در تهران گفتگو کرد.

پایگاه اینترنتی خبرگزاری فرانس ۲۴ نوشت: بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در نخستین سفر خود به ایران پس از آغاز بحران این کشور، با رهبر ایران دیدار کرد.

ضربه به باند فساد ارزی در مازندران

سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات مازندران، ۵ نفر از عوامل اصلی باند فساد ارزی را دستگیر و تحویل مرجع قضایی گردیدند. اختلال در نظام اقتصادی کشور، خرید و فروش غیرقانونی ارز، تحصیل مال نامشروع و جعل و ارائه اسناد معمول از جمله اتهامات دستگیر شدگان است. تأسیس شرکت های کاغذی و صوری و تطمیع مسئولین برخی شعب بانک ها از جمله شگردهای این شبکه سازمان یافته برای دریافت ارز دولتی به بهانه واردات کالا بوده که با اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی تا کنون کالایی به کشور وارد نشده و ارز حاصله در بازارهای آزاد از طریق چند صرافی به فروش رسیده است. میزان حوالجات ارزی اخذ شده این باند فساد ۷۲ میلیون دلار بوده که از برخی بانک ها در استان های مازندران، تهران، بوشهر، سیستان و بلوچستان، بندرعباس، تبریز و قزوین بدون وثیقه و تضمین دریافت شده است. سربازان گمنام امام زمان (عج) در این پرونده مبلغ ۲۱ میلیارد ریال از منابع مالی موجود این باند را توقیف و از پرداخت ۳۸ فقره حواله ارزی به مبلغ ۲۰ میلیون یورو جلوگیری کردند.

مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت اطلاعات

امنیت ملی و آزادی سیاسی

حدود و حقوق جامعه در رابطه با آزادی‌های سیاسی را رعایت کنند و تنها نکته قابل تذکر آن است که البته زمان و مکان بر امنیت و آزادی مؤثرند. و مثلاً در شرایط حاد، بحرانی و جنگ ممکن است، امنیت بیشتر از آزادی مورد اهتمام باشد (نه این که آزادی‌های سیاسی نادیده گرفته شود) و در شرایط عادی صلح، آزادی نسبت به امنیت بیشتر مورد تأکید قرار گیرد (نه با این معنا که امنیت مورد غفلت قرار گیرد).

ج) آسیب‌شناسی امنیت ملی و آزادی سیاسی

۱) آسیب به امنیت ملی و نیز آزادی سیاسی ممکن است، آگاهانه و عامدانه باشد و نیز ممکن است ناآگاهانه و حتی به نیت خیر و با قصد خدمت باشد. از مثال‌های آسیب به امنیت با انگیزه سالم، در فرهنگ شیعی اقدام فریب‌کارانه ابن زیاد به وسیله مقلد در پیدا کردن پناهگاه حضرت مسلم در جریان حوادث کربلاست که وی مأمور بود سه هزار درهم را که به اصطلاح هدایی دوستان اهل بیت است را از طریق دوستان نماینده امام به او برساند و شکارش را مسلم بن عوسجه از باران با وفای امام حسین قرار داد و در مسجد کوفه به او رسید و با لطایف الحیلی مبلغ را به وی داد و از طریق او پناهگاه حضرت مسلم لو رفت. در حالی که قصد و انگیزه مسلم بن عوسجه خدمت به نهضت حسینی بود، اما در عمل کارش آسیب به این حرکت در این مسئله شد.

ادامه در شماره آینده

هنوز پاسخ دقیق و روشنی به این پرسش‌ها نداریم که آیا می‌توان واژه ملیت، ملی‌گرایی و به تبع امنیت ملی را از نگاه دینی موجه، مطلوب و ممدوح بگیریم یا خیر؟ (۳) بحث آزادی سیاسی از نگاه دینی نیز علی‌رغم همه مباحثی که درباره آن مطرح گردیده است، هنوز به یک برداشت اجماعی در فهم دین‌داران منتج نگردیده است. (۴) اگر بتوان مجموعه نگاه دین‌داران در مباحث حکومتی را به دو سطح تقسیم داد: آنها که مردم سالارند و دیگرانی که حاکم مدارند. گروه حاکم مدار همه مسائل حکومتی را بر اساس حاکم تفسیر می‌کند و ولایت مدار است، ولی گروه دوم همه مسائل دولتی را بر مدار خواسته‌ها و حقوق مردم تفسیر می‌کند. با فرض این که مجموعه دیدگاه‌های حکومتی مسلمانان شیعی خصوصاً در ایران به دو گروه فوق‌الذکر قابل تفسیر باشند، می‌توان این فرضیه را پیشنهاد کرد که در بحث تعامل آزادی سیاسی با امنیت ملی، گروه‌های حاکم مدار، امنیت ملی را مبنای گرفته و آزادی سیاسی را بر مبنای آن تأویل و تحدید می‌کنند و به عبارت دیگر بین این دو مفهوم، تحقق امنیت ملی را مهم‌تر از تحقق آزادی سیاسی می‌بینند. اما گروه‌های مردم‌گرا برعکس، آزادی سیاسی را نسبت به امنیت ملی محور گرفته و امنیت را بر مبنای آزادی تفسیر و تحدید می‌نمایند.

الف) دین و رابطه امنیت ملی با آزادی سیاسی

۱) بحث از رابطه امنیت ملی و آزادی سیاسی با دین را می‌توان از سه منظر مورد بحث قرار داد: اول) نصوص دینی و بحث تعامل امنیت و آزادی؛ دوم) فهم دینی و تعامل امنیت و آزادی؛ سوم) عمل دینی و تعامل امنیت و آزادی.

ب) تقدم و تأخر امنیت و آزادی

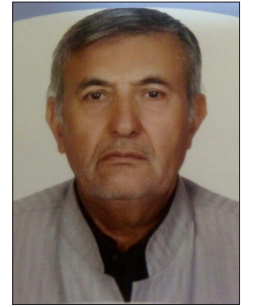
گرچه امنیت و آزادی را می‌توان در رابطه با یک دیگر تصور نمود: (۱) در جامعه‌های آزادی باشد و امنیت نباشد؛ (۲) امنیت باشد و آزادی نباشد؛ (۳) هم امنیت باشد و هم آزادی؛ (۴) نه امنیت باشد و نه آزادی. واضح است که بهترین جوامع آنهایی هستند که از هر دو این نعمت‌ها برخوردارند؛ بدترین آنها جوامعی هستند که از هر دو بی‌بهره‌اند. اما پرسش این است که آیا می‌توان از تقدم یکی از این دو بر دیگری سخن گفت و امنیت را فدای آزادی نمود و یا بالعکس، زیرا که فرض می‌شود یکی از این دو مهم‌تر از دیگری است؟ اجمالاً پاسخ آن است که اگر این تقدم و تأخر از نظر زمانی باشد، پرسش قرین به صواب نیست و دلیلی ندارد که از تقدم زمانی آزادی و یا امنیت دفاع شود. مثلاً کسی بر این باور باشد که در یک مقطع باید برای امنیت برنامه داشت و در مقطع دیگر به آزادی سیاسی اندیشید و یا بالعکس؟ زیرا همه دولت‌ها هم زمان می‌توانند هم به امنیت بپردازند و هم



در برابر انتقادات

اگر نادرست بود، بی اعتنا باشید
 اگر غیر منصفانه بود، عصبانی نشوید
 اگر از روی نادانی بود، لبخند بزنید
 اگر عادلانه بود، از آن درس بگیرید.

ماهیت و اثرات اقتصاد مقاومتی



جمله ی قبلی یادداشت اقتصادی درج شده در روزنامه ۲۰ / ۶ / ۹۱ توسط آقای محمد علی خطیب استاد محترم دانشگاه با تیتیر اقتصاد مقاومتی را دیدیم نکاتی به نظر راجع به اساس اقتصاد مقاومتی و خصوصاً توصیه های ایشان راجع به اقتصاد مقاومتی رسید که خدمتتان عرض می کنم اگر قابل دیدید در روزنامه درج کنید . تقریباً تمام نکاتی که نویسنده توصیه کرده اند که باید در یک اقتصاد مقاومتی به آن عمل شود نکاتی هستند که در یک اقتصاد با شرایط عادی به آنها عمل می شود و در تمام اقتصادهای دنیا عملاً با آنها عمل می شود و یا سعی در انجام آنها دارند مانند رعایت مزیت نسبی. مگر می شود اقتصادی سر پای خود بایستد و مزیت های کشور را رعایت نکند این اقتصاد پس از مدتی ورشکست می شود. با برخورداری از قابلیت کنترل اقتصاد که قطعاً توسط واحد حکومت، از این کنترل انجام می شود. تقریباً پس از بحران ۱۹۲۹ و نظریات جان مینارد کینتو هیچ اقتصادی در دنیا وجود ندارد که فاقد کنترل توسط دولت باشد و ایران هم اینگونه بوده و هست و خواهد بود و این ربطی به اقتصاد مقاومتی ندارد نکته سوم خارج شدن از اقتصاد تک محصولی نفت، این کار عملاً زمان سه ساله دکتر محمد مصدق عملی شد و همه هم بدون وجود. اقتصاد مقاومتی اقدام آن را کرده اند و با حمایت از تولید ملی که این اساس هر اقتصاد ملی است و حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال است در کشورها جاری است مثل وضع تعرفه های وارداتی با انواع حمایت های دولتی از صنایع مانند وام کم بهره یا کارهای دیگر من هم در سخنان مقام رهبری و هم در سخنان دیگر مسئولین و هم در مقاله این جناب استاد دانشگاه نکته ای را ندیده ام که مربوط به اقتصاد مقاومتی باشد و یا تعریف خاص علمی از این نوع اقتصاد نشان داده باشد و یا اینکه در عین تولید فراوان شکنندگی هم نداشته باشیم این سخن از نظر علمی یعنی Optimise کردن که جزو وظایف هر اقتصاد خرد یا کلان است و اگر در شرکتی با خانواده ای با کشوری به آن عمل نشود فرو می ریزد. امری که اتحاد شوروی بخاطر عدم توانایی در انجام آن و هزینه نظامی فرو ریخت چیزی که جزو دروس متداول علم اقتصاد و امور مالی است و اساساً به این دلیل به پروسه تولید - توزیع و مصرف ثروت اقتصاد و یا اکونوموس گفته شد که باید گزینش کرد همه چیز را نمی توان با هم دانسته حال می خواهم بگویم اساساً اقتصاد مقاومتی یعنی چه و چکار باید کرد. در سال ۵۴-۵۵ که من اقتصاد می خواندم اساد اقتصاد کلان به ما آموخت که در مقاطعی از زمان در هر کشوری به علی مانند جنگ و سیل زلزله و هر نوع واقعه ، غیر مترقبه دیگر که تحریم را هم می توان به این لیست اضافه کرد بطور خودبخود و بدون پیش بینی رفتار مصرفی مردم تغییر می کند

نکنه مهم اینست که تا آنجا که من میدانم اقتصاد، داش فقط توانسته اند. منحنی این رفتارها و تغییر رفتارها را ترسیم کنند و توانسته اند مبانی تئوریک یا نظری یا تحلیل این تغییر رفتارها را پیدا کنند. حالا اثر کشور در حالتی غیر عادی به لحاظ رفتارهای اقتصادی مردم قرار دارد، اقتصاددانان دولت و محترم با مجمع تشخیص مصلحت باید بتوانند اولاً این رفتارها را در منحنی ها مرتباً ترسیم کنند و ثانیاً مبانی نظری آن را نیز بیان کنند، توانسته اند اقتصاد مقاومتی را در کشور پیاده کرده، تبیین و تفسیر نمایند و نتیجه گیری لازم را بنمایند، انجام کار های روتین و معمولی دردی از اقتصاد مقاومتی حل نمی کند، چه انجام این کارهای روتین توسط دولت رفاه گراه و عدالت محور که کارایی محور و آزادی محور



مگر می شود اقتصادی سر پای خود بایستد و مزیت های کشور را رعایت نکند این اقتصاد پس از مدتی ورشکست می شود.

پمی باشد انجام شود، وجه توسط دولت اعتدال و تدبیر محور مزید بر مطالب فوق این امر مهم مطرح است که آیا اقتصاد مقاومتی به امر توسعه کشور کمک می کند یا تنها به بهبود وضعیت موجود می پردازد توسعه اینست که به نیروی انسانی بها داده و از توانمندی و ظرفیت آنها استفاده کاملی بکنیم پُر حال حاضر به طور متوسط از ۳۵ درصد ظرفیت صنعت استفاده میشود. سطح تکنولوژی ما و دانش مدیریتی ما به روز نیست در نتیجه دانش اجرایی و عملیاتی اقتصاد ما به روز نیست دانش تئوری اقتصادی ما در دانشگاهها

توسط استادان با مطالعه قابل انتقال است اما وقتی زمینه اجرایی پیدا نکند چیزی مانند توهم علمی است وقتی جنبه کاربردی نداشته باشد به درد نمی خورد بنابراین من فکر می کنم با یاور ظرفیت ها و توانمندی های داخلی و استفاده از تنوریهای اقتصادی می توان این شیر خفته صنعت را با حرکت شتابدار بیدار کرد این امید هست اگر تحریم ها برداشته شود و زمینه های اولیه نیز وجود داشته باشد آن ارزی که آزادسازی می شود و صادراتی که انجام می شود می تواند به تحقق آرام اهداف کمک کند حال آیا اقتصاد مقاومتی اعلام شده می تواند شیر خفته صنعت را بیدار کند یا باعث خواب عمیق تر این شیر خفته می شود حتی در دولت اعتدال فعلی در دولت قبلی که منجر به رشد منفی اقتصادی شد.

به هر حال هر اقدام اقتصادی با ابتدا در عمل اتفاقاتی در اقتصاد یک کشور رخ می دهد سپس برای آن مبانی نظری و علل وقوع اتفاقات تبیین می شوند یا بالعکس ابتدا مبانی نظری توسط یک یا چند اقتصاددان تبیین می شوند، در دانشگاه ها تدریس می شود و بتدریج توسط مجریان اقتصادی به مرحله عمل در می آید تا فقط روی تخته سیاه به دانشجویان تدریس نشود و آن اقتصاددان بخاطر آن نظریه نوبل اقتصاد هم می گیرند. عنوان اقتصاد مقاومتی معمولاً همانگونه که در فوق گفتم برای تبیین شرایط غیر عادی تبیین و اجرا می شود آیا طرح این عنوان به معنی شرایط اضطراری و غیر عادی در اقتصاد کشور است که چنین چیزی مطرح نشده مضافاً اینکه هر تئوری بشرطی قابلیت اجرا دارد که دارای تناقض درونی نباشد از یکطرف اعلام می شود باید درب چاه های نفت بسته شود و به استقلال برسیم از طرفی آقای احمد جنتی در نماز جمعه می گوید بهره برداری اصولی از چاه های نفت بکنید یعنی کار یکه تاکنون نکرده اید. سرانجام کدامیک از ایندو را مجریان انجام دهند. مضافاً مجریان حداکثر ۴۰٪ اقتصاد کشور را در اختیار دارند. به هر حال اقتصاد دنیا که ایران هم جز آن است به طراحی اقتصاد نئوکلاسیک دارد اداره می شود که خود کشورهای گروه ۲۰ هم اذعان به نواقص آن دارند و سعی در رفع آنها دارند که همین کار هم شده و اقتصاد آنها از بحران ۲۰۰۸ خارج شده همزمان دو جریان اقتصادی دیگر نیز در گوشه و کنار دنیا در جریان هستند بنامهای اقتصاد اسلامی و اقتصاد راه رشد غیر سرمایه داری (نهاد گرایان امروز ایران) این دو جریان مانند جریاناتی هستند که زیر بارش باران (اقتصاد نئوکلاسیک) آب پاش به دست گرفته اند و باغچه را آبیاری می کنند تا آنجا که من میدانم اقتصاد مقاومتی هم مانند فیلمی است که از نیمه به نمایش درآمده و مردم از وسط فیلم به آن نگریسته اند و از پیام و محتوای واقعی فیلم نمی توان سر در آورد، آب در رودخانه یک جریان اصلی داره (Main Streamri) ولی ضمناً انشعابات آبی دیگری نیز به آن می ریزند ولی تعیین کننده در مسیر اصلی رودخانه نیستند. امید است مجریان بدانند چکار دارند می کنند و دور خود، نچرخند و اقتصاد مقاومتی آب پاشی سومی نباشد که دست بگیرند و باغچه را زیر باران اقتصاد روتین نئوکلاسیک دنیا آبیاری کنند

مصیب دوانی
 کارشناس اقتصادی و فعال سیاسی

وحدت دین و سیاست در اندیشه امام خمینی (ره)

تاریخی با شروع نهضت امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۲ بار دیگر فرآیند ((باز گشت به خویشتن)) را آغاز کرد.

شروع درس ولایت فقیه یا حکومت اسلامی به سال ۱۳۴۸ شمسی توسط حضرت امام (ره)، آغازی بر طرح مجدد نظریه رابطه عمیق و فراگیر دین و سیاست بود. پیامد طرح چنین نظریه ای در جهان امروزی و دنیای فارغ از دخالت دین در شوون اجتماعی و سیاسی، در عین حال که شگفتی متفکران معاصر را موجب گردید، تأمل در این باره را نیز سبب شد. ملت ایران با دادن شعار ((استقلال، آزادی و حکومت اسلامی)) و سپس ((جمهوری اسلامی)) در راهپیمایی های دوران شروع، تداوم و پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از چنین نظریه ای را در دنیای جدید متجلی ساخت و پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران بر اساس اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، مبین تحقق عینی چنین نظریه ای بود.

یکی از مباحث مهم در حوزه اندیشه های اجتماعی و سیاسی، رابطه ((دین)) و ((سیاست)) است. برخی با انکار هر گونه پیوندی میان دین و سیاست، تداخل یکی از آن دو را در امور دیگری موجب ناکار آیی طرف مقابل دانسته اند، از این رو به جدایی کامل آن دو توصیه می کنند و برخی دیگر با قبول وجود رابطه میان دو مفهوم فوق، در کیفیت و نوع رابطه اختلاف نظر دارند. نوشتار حاضر در صدد مطالعه کیفیت ارتباط مفهومی و نهادی دین و سیاست در اندیشه امام خمینی (ره) است.

سیاسی و اجتماعی بشر را تکلیف اصلی خویش می دانسته اند. واضح است که با چنین فرضی انکار رابطه دین و سیاست بی مورد بوده است. پس از ظهور اسلام و گذشت حدود هزار و چهار صد سال از تجلی عینی پیوند دین و سیاست با تشکیل حکومت اسلامی در صدر اسلام به دست پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت علی (ع)، در دنیای اسلام عملاً چنین ارتباطی ناگفته به کناری نهاده شد؛ به عبارت دیگر، گر چه در ظاهر حکومت امویان و عباسیان و غیره نام اسلام را بر خود داشتند، ولی در واقع دین را به خدمت سیاست گرفته بودند. این روند

انکار واقع نشده است. اختلاف در کیفیت نوع این رابطه از آن جا ناشی شده است که نظرگاه های اندیشمندان در خصوص تعریف دین و تعریف سیاست، مبانی دین و مبانی سیاست، هدف دین و هدف سیاست با یکدیگر تفاوت کرده است. سابقه تاریخی چنین نظریه ای به پیدایش ادیان الهی و ظهور پیامبران - دارای رسالت اجتماعی - سیاسی و فردی برمی گردد. با فرض این که دین برنامه جامع هدایت بشر در زندگی دنیوی و تأمین کننده سعادت وی در حیات دنیوی و اخروی است، پیامبران الهی که مظهر و نماد تجلی دین در بعد عینی خود بوده اند، شکل دهی به حیات

این اندیشه پس از فراگیر شدن اندیشه های غربی در غالب کشورهای اسلامی نیز شیوع پیدا کرد؛ به طوری که امروزه بسیاری از این کشورها یا به طور رسمی دارای حکومت های سکولارند یا عملاً شیوه لاییکی اعمال حکومت را دارا هستند. در مقابل نظریه جدایی کامل دین از سیاست، اعتقاد برخی اندیشمندان بر وجود رابطه وثیق بین دو مفهوم فوق است. بدیهی است غالب چنین اندیشمندانی متدین به دینی یا حداقل عملاً مبادی آداب مذهبی بوده اند. گر چه کیفیت رابطه این دو در این طیف مورد تنازع و اختلاف نظر بوده است، اما هیچ گاه اصل وجود رابطه مورد

از دیرباز یکی از مباحث مهم در حوزه اندیشه های اجتماعی و سیاسی، سمت گیری در قبال رابطه دو مقوله ((دین)) و ((سیاست)) بوده است. برخی با انکار هر گونه پیوندی بین این دو، تداخل یکی از آنها را در امور دیگری موجب ناکار آیی طرف مقابل دانسته اند و به جدایی کامل آنها از یکدیگر با هدف حفظ حرمت هر یک از آن دو توصیه کرده اند. سابقه تاریخی چنین توصیه ای به اروپای پس از قرون وسطی باز می گردد. حاکمیت هزار ساله کلیسا بر کلیه شوون زندگی در غرب آن دوران و ناکار آیی آن در قرن های متمادی، بعضی از اندیشمندان سیاسی آن زمان را وا داشت تا به اندیشه تفکیک دین از حوزه حیات اجتماعی روی آورند و به تحدید دخالت دین در حوزه خصوصی زندگی انسان های غربی رضایت دهند. ظهور چنین اندیشه و پدیده ای به تشکیل حکومت هایی در جهان غرب منجر گردید که خود را ملترزم به مقررات دینی در سطح اجتماع، سیاست داخلی و امور خارجی نمی دیدند.